

تصور می کردم همسر را بپنهانی دارد ... او را کاشتم

مردی که همسرش را به قتل رسانده و جسدش را پس از مثله کردن در بیابان‌های خارج شهر رها کرده بود، در برابر قاضی و اولیای دم قرار گرفت.

رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت سال گذشته با گزارش مرد جوانی که مدعی بود همسرش ناپدید شده آغاز شد. وی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: مثل همیشه صبح برای رفتن به محل کارم از خانه خارج شدم اما وقتی چند ساعت بعد با تلفن خانه و تلفن همراه همسرم تماس گرفتم و جواب نداد نگران شدم. هر جا که احتمال می‌دادم رفته باشد سر زدم و با همه آشنایان و دوستان مان تماس گرفتم اما خبری از همسرم نبود تا اینکه تصمیم گرفتم از پلیس کمک بگیرم.

در ادامه مأموران تحقیقات خود را برای یافتن زن جوان پی گرفتند و مشخص شد مرد جوان واقعیتی را پنهان می‌کند. از این رو وی تحت بازجویی‌های تخصصی قرار گرفت و در نهایت به قتل همسرش اعتراف کرد و در تشریح ماجرا گفت: چند ماهی بود که به همسرم مشکوک شده بودم و فکر می‌کردم که با شخصی [رابطه پنهانی](#) دارد. بارها تهدیدش کردم و گفتم که اگر شکم به یقین تبدیل شود تو را خواهم کشت اما او در رفتارهایش تغییری ایجاد نکرد تا اینکه روز حادثه بازهم سر همین موضوع درگیر شدیم و با شالی که دور گردنش بود او را خفه کردم.

وی ادامه داد: اما بعد نمی‌دانستم جسدش را چه کار کنم. در نهایت تصمیم گرفتم او را مثله کنم و در کیسه‌هایی بگذارم. بعد جسدش را به حواشی شهر سمنان بردم و در چاله‌ای انداختم. وقتی به خانه برگشتم تصمیم گرفتم با قصه پردازی خودم را بی‌خبر نشان دهم و موضوع ناپدید شدن او را مطرح کردم. با خانواده و چند نفری هم تماس گرفتم و پیگیرش شدم تا کسی شک نکند. پس از اعتراف‌های صریح متهم، مأموران به محلی که او اعلام کرده بود رفتند و جسد مثله شده همسرش را پیدا کردند.

با تکمیل تحقیقات و گزارش پلیس و همین‌طور اعتراف‌های صریح متهم، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در ابتدای این جلسه اولیای دم برای دامادشان درخواست قصاص کردند و پس از آن متهم به جایگاه رفت و گفت: من نمیخواستم همسر را به قتل برسانم. به رفتارهای او مشکوک شده بودم و تصور می‌کردم همسرم کارهای اشتباهی انجام می‌دهد. آخرین بار وقتی با او سر همین موضوع بحث کردیم متوجه شدم نمیخواهد زیر بار اشتباهاتش برود به همین خاطر باهم درگیر شدیم و در یک لحظه از شدت عصبانیت نتوانستم خودم را کنترل کنم و او را خفه کردم. اما خیلی زود پشیمان شدم، حالا هم از خانواده همسرم شرمندهام و درخواست دارم مرا ببخشند.

پس از اظهارات متهم و وکیل او، قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.